روش مسعودی در ارزیابی، تدوین و نگارش اسناد و اطلاعات علمی ـ تاریخی

حامد منتظری مقدم

درآمد

تاریخ نزد مسلمانان به صورت پدیده ای قانونمند، پویا و بستر تنازع حق و باطل تلقی می شود. از طرفی، حیات و نشاط تاریخی جامعه در صورتی استقرار می یابد که افراد آن با پیشینه و میراث های تاریخی و فرهنگی خود آشنا باشند و در تقویت آگاهی و مقاومت خود، از آنها سود ببرند. بنابراین، مجموعه عوامل مختلفی موجبات آن را فراهم نمود که مورخان زیادی در سرزمین های اسلامی پیدا شدند و انگیزه ها و اهداف خاصی را پیشه کرده، با شیوه ها و روش های مختلف، حوادث، وقایع و اخبار را از منابع گوناگون ثبت نمودند.

ابوالحسن مسعودی نیز با انگیزه عبرت گرفتن از احوال گذشته و حصول ملکه تجربه از راه وقوف بر دگرگونی های روزگار، به ثبت و ضبط تاریخ پرداخت تا از آنچه موجبات فساد، جهل، گمراهی، سقوط و انحطاط جوامع گذشته را فراهم ساخته، احتراز گردد و از آنچه که موجبات رشد و تعالی جوامع گذشته را فراهم ساخته، استفاده شود.

ابن خلدون درباره ثمره تاریخ نگاری چنین می گوید:

فن تاریخ را روشی است که هر کس بدان دست بیابد و آن را سودهای فراوان و هدفی شریف است؛ چه این فن ما را به سرگذشت ها، خوی های ملت ها و ستیزهای پیامبران و دولت ها و سیاست های پادشاهان گذشته آگاه می کند و برای آنکه جوینده ها آن را در پیروی از این تجارب و در احوال دین و دنیا فایده تمام نصیب گردد، به منابع متعدد و دانش های گوناگونی نیازمند است.(2)

جهات متعدد ضرورت پرداختن به تاریخ نگاری و علم به تاریخ گذشتگان، خصوصاً استفاده از تجارب سیاستمداری و مدیریت سیاسی حکومت ها و دولت های گذشته و عوامل رشد و پیشرفت یا سقوط و انحطاط آنها، برای خلفا و حکّام، بیشتر محسوس بود. در مجالس خلفا و امرای اموی و عباسی، اوقاتی به استماع اخبار گذشتگان اختصاص می یافت. مسعودی از معاویه نقل می کند که قسمتی از اوقات فراغت را به شنیدن ایام عرب و اخبار عجم، اختصاص داده بود و گاه از روی کتاب هایی بر وی می خواندند. منصور عباسی و هارون الرشید نیز به اخبار گذشتگان علاقه نشان می دادند و کسانی را داشتند تا اخبار پیشینیان را نقل کنند و از زشتی ها و زیبایی ها، کامیابی ها و ناکامی ها و پیروزی ها و شکست های گذشته، اطلاع یابند و عبرت گیرند و شیوه کامیابی ها و پیروزی ها را شناخته، بدان ها دست یابند.

ابوالحسن مسعودی در روآوری به تاریخ، با نگرش و منظری خاص بدان وارد می شود و خود را از دیگر مورخان قبل از خود، متمایز می سازد و منشاء تحولات بسیاری در تاریخ نگری و تاریخ نگاری پس از خود می گردد. این امر موجب شد تا نوشتار حاضر به بررسی روش و شیوه مسعودی در ارزیابی، تدوین و نگارش اسناد و اطلاعات علمی ـ تاریخی پدید آورد، بپردازد.

روش مسعودی در ارزیابی اسناد و اطلاعات علمی ـ تاریخی

بدون تردید، اطلاعات و اخباری که مناسب ترین پاسخ را در زمینه تحولات و دگرگونی های دنیا و تغییرات گروه های اجتماعی و اعمال بشری بدست می دهند، باید رویدادها را با کامل ترین شیوه و دقیق ترین و روشن ترین و صریح ترین راه انتقال دهند؛ زیرا اگر بر اساس آن عمل نشود جامعه علمی و حیات بشری دچار خطاهای سنگین و جبران ناپذیر می شود. بنابراین، خبر باید کامل ـ زیرا اگر همه جنبه ها و جهات خبر گزارش نشود، تصمیمات را در ارزیابی به اشتباهات اساسی می رساند ـ و موضوع و جزئیات آن دقیق و روشن باشد، زیرا خبر در صورتی مؤثر است که کلیه جزئیات رویدادها بر ما معلوم شود؛(3) البته آنچه مورد بحث است و نیاز به مقام داوری و ارزیابی صحت و سقم است، آن دسته اخبار و اطلاعات علمی است که احتمال درستی در آنها وجود دارد، نه اخباری که صدق و درستی آنها معلوم است و نه اخباری که غلط و کذب و باطل بودن آنها معلوم است.

پس آنچه مورد توجه مسعودی و دیگر مورخان است، آن دسته اخباری است که احتمال صدق و کذب در آنها وجود دارد؛ البته نزد مسعودی اخباری که احتمال درستی آنها وجود دارد، اما به حد تواتر نرسیده و جزء اخبار مستفیض محسوب می شوند، نیز قابل اخذ و اعتماد است. از طرفی، قبل از مسعودی، اخبار به نقادی مورخ کشیده نمی شدند؛ بلکه مورخ وظیفه خود می دید هر آن چه شنیده و دیده نقل نماید، بدون آن که تأملی بر صحت و سقم آنها داشته باشد. استدلال بسیاری از مورخان در عدم تأمل ورزیدن به اخبار، مرجع دانستن قدما بود و همین امر موجب می گشت که به محققان هم عصر خود، بهای لازم داده نشود.(4) در یک پژوهش، هم باید به گردآوری مواد پراکنده در خصوص موضوع مورد تحقیق پرداخت تا به تبیین موضوع و حوادث و وقایع پرداخت و هم به نقد و ارزیابی؛ تا بتوان به دقت با بررسی اسناد و مدارک و منابع، به صحت و سقم آن وقوف یافت. آنچه در گذشته تاریخ نگاری بیشتر متداول بوده، توجه اساسی به حوادث نادر، نمایشی یا حماسی بوده است، بدون آنکه تأملات اساسی در ارزیابی آنها صورت بگیرد. از طرف دیگر، حوادثی که این گونه نبوده اند، کمتر مورد توجه واقع شده اند و حال آنکه مورخان علمی امروزی میل دارند تا از میان مواد تاریخی فراوان، صرفاً حقایقی را برگزینند که احساس می کنند به تبیین و چگونگی تکامل و تحول جامعه از حالت های ساده ابتدایی به حالت کنونی کمک می کند.(5)

1. شیوه های جمع آوری اطلاعات مسعودی:

الف) مطالعه آثار تاریخی گذشتگان

ب) گفت وگو و مصاحبه با افراد فرهیخته و دانشمندان

ج) مشاهده آثار و وقایع و حوادث

ابوالحسن مسعودی، ابتدا بنا را بر گردآوری مواد پراکنده و کسب اطلاعات و اخبار در خصوص موضوعات و حوادث و وقایع تاریخی از زندگی اقوام و جوامع و ملل و نحل مختلف می گذارد؛ اما برای او، منبع کسب اخبار حوادث و وقایع صرفا هر آنچه قدما گفته اند یا نوشته اند، نیست؛ بلکه علاوه بر دریافت از آثار گذشتگان، از شیوه مطالعه آثار تاریخی و گفت وگو و مصاحبه با افراد مطلع و دانشمندان فرهیخته و صاحب نفوذ و صاحب منصب و مشاهده حوادث و وقایع استفاده می کرد. مسعودی، کتاب های تاریخی بسیاری را در مروج الذهب نام می برد که آنها را مطالعه نموده است:

مردم سلف و خلف در تاریخ و حوادث کتاب ها آورده اند که بعضی به صواب و بعضی دیگر به خطا رفته اند و هر یک به قدر توان خویش کوشش کرده و گوهر نهان هوش وانموده اند؛ مانند وهب بن منبه و ابومخنف لوط بن یحیی عامری و محمد بن اسحاق واقدی و ابن کلبی.... و محمد بن هیثم بن شبابه خراسانی مؤلف کتاب الدولة و اسحاق بن ابراهیم موصلی مؤلف کتاب الاغانی و کتاب های دیگر و جلیل بن هیثم هرتمی مؤلف کتاب الحیل و المکاید فی الحروف و کتاب های دیگر... و احمد بن ابوطاهر مؤلف کتاب موسوم به اخبار بغداد و کتاب های دیگر و ابن وشاء و علی بن مجاهد مؤلف کتاب موسوم به اخبار الامویین و کتاب های دیگر و محمد بن صالح بن نکاح مؤلف کتاب الدولة العباسیة و کتاب های دیگر و یوسف بن ابراهیم مؤلف اخبار ابراهیم بن مهدی و کتاب های دیگر و محمد بن حارث ثعلبی مؤلف کتاب موسوم به اخبار الملوک که برای فتح بن خاقان تالیف کرده و کتاب های دیگر و ابوسعید سکری مؤلف کتاب ابیات العرب و عبید اللّه عبدالله بن خردادبه که در کار تألیف و ملاحت تصنیف برجسته و چیره دست بود که مؤلفان معتبر پیرو او شدند و اقتباس از او کردند و به راه وی رفتند و اگر خواهی صحت این گفتار بدانی کتاب الکبیر فی التاریخ او را بنگر که از همه کتاب ها جامع تر و منظم تر و پرمایه تر است و از اخبار اقوام و سرگذشت ملوک عجم و دیگران بیشتر دارد، از جمله کتاب های گرانقدر وی المسالک و الممالک و کتاب های دیگر... و هم از کتاب های گرانقدر کتاب التاریخ من المولد الی الوفاة و من کان بعد النبی (ص) من الخلفا و الملوک الی خلافة المعتضد بالله و ما کان من الاحداث و الکوائن فی ایامهم و اخبارهم تألیف محمد بن علی حسینی علوی دینوری است و کتاب التاریخ احمد بن یحیی بلاذری و هم کتاب وی درباره فتوح بلاد که به صلح یا جنگ بود از هجرت پیغمبر (ص) و شهرها که در ایام وی و پس از او به دست خلیفگان گشوده شد و حوادث مربوط به آن و وصف شهرها که در شرق و غرب و شمال و جنوب بود که درباره فتوح البلدان کتابی بهتر از آن ندیده ایم و...(6)

تاریخ ابوجعفر محمد بن جریر طبری از همه کتاب ها و تألیفات دیگر، سر است که اقسام حوادث و سرگذشت های گوناگون را فراهم آورده و از علوم مختلف سخن دارد و کتابی بسیار سودمند و نافع است و چرا نباشد که مؤلف آن فقیه عصر و زاهد دهر بود که فقیهان بلاد و دانایان سنت و اخبار، علم از او گرفتند.(7)

وی برای کسب اطلاعات کافی و متقن، با علما و پادشاهان زیادی ملاقات می کند و آنها را به گفت وگو با خود می کشاند؛ چنانچه خود اشاره ای به آن دارد:

... وهم با شاهان مختلف که اخلاق متفاوت و مقاصد گوناگون داشتند و دیارشان دور از هم بود، گفت وگو داشتیم و با آنها هم سخن شدیم که آثار علم برفته و نور آن خاموش گرفته.(8)

مسعودی شیوه دیگر جمع آوری اطلاعات خود را از طریق مشاهده آثار و وقایع و حوادث از زندگی اقوام، جوامع، قبایل، امت و ملل مختلف بنا می گذارد. کالین زنان در این باره می گوید:

مسعودی معتقد بود که معرفت حقیقی را تنها از تجربه و مشاهده شخصی می توان به کف آورد. او نویسنده ای پرکار بود؛ افسوس که از 37 اثرش تنها دو اثر به جای مانده است.(9)

مسعودی، خود در این باب می گوید:

خاطر ما به سفر و بادیه پیمایی، به دریا و خشکی مشغول بود که بدایع ملل را به مشاهده و اختصاصات اقالیم را به معاینه توانیم دانست؛ چنان که دیار سند و زنگ و صنف و چین و رابج را درنوردیدیم و شرق و غرب را پیمودیم. گاهی به اقصای خراسان و زمانی در قلب ارمنستان و آذربایجان و ارّان و بیلقان بودیم. روزگاری به عراق و زمانی به شام بودیم که سیر من در آفاق چون سیر خورشید در مراحل اشراق بود؛ چنان که گفته اند: به اقطار جهان رو نهاده بود و چون خورشید گاهی در مشرق اقصی و زمانی در غرب می رفت و پیوسته سفر او را به جایی دور میراند که کاروان بدان جا نتوانست رسید.(10)

تنوعات و اتخاذ شیوه های مختلف جمع آوری اطلاعات مسعودی نسبت به پیشینیان، موجب آن می شود که او اخبار و اطلاعات بسیار گسترده و متفاوت از هم را در زمینه های مختلف فرهنگی، دینی، سیاسی و نظامی تحصیل نماید و قدرت تبیین حوادث برایش آسان شود. مسعودی در گردآوری مواد پراکنده، به مدارک و اسناد خطی، آمارها، ساختمان ها، قلعه ها، صورت ها و نقوش، افسانه ها و روایات دهان به دهان، زبان ها، مکالمات، آداب و رسوم، عقاید دینی و غیر دینی توجه اساسی داشت و با چنین موادی به تبیین و چگونگی تکامل و تحول جامعه و افول آن و تحول ملل، و دولت ها، اقوام و قبایل می پرداخت.

مسعودی بعد از این مرحله، وارد مرحله نقد و ارزیابی می شود. او در این مرحله، به دقت، مورخان، اسناد، مدارک و منابع تاریخی را در دستیابی به حقیقت ارزیابی می نماید تا به صحت و سقم آنها وقوف یابد و به طور عالمانه، آگاهانه و بی طرفانه، درباره آنها داوری کند.(11)

از طرف دیگر، وی مورخان دیگری را به نقد کشیده و تألیفات آنها را خارج از سیره تاریخ نگاری می داند؛ به طوری که در مطالب خود به همه چیز پرداخته اند، نظیر سنان بن ثابت بن قرة حرانی که مسعودی درباره اش می گوید:

«بدیدم که از حدود فن خویش برون شده و روش خارج از طریقت خود گرفته و کتابی به عنوان رساله ای به بعضی یاران خویش تألیف کرده و در آغاز، سخنانی درباره صفات و اقسام نفس که ناطق و غضبی و شهوانی است آورده و شمه ای از سیاست مدن از کتاب سیاست مدنی افلاطون که دو مقاله است، اقتباس کرده و نکاتی درباره وظایف ملوک و وزراء گفته. پس از آن، از حوادثی که مدعی است شاهد آن بوده ولی نبوده و از اخبار المعتضد باللّه و مصاحبت و روزگارانی که با وی داشته سخن آورده. آنگاه به خلاف رسم اخبار و تواریخ و برون از شیوه اهل تألیف به دوران خلیفگان دیگر واپس رفته. اگر چه سخن نیک آورده و از خط معنی برون نشده؛ اما عیب آن جاست که از فن خویش برون رفته و خارج از رشته خاص خود به تکلف پرداخته.(12)

2. روش داوری و معیارهای ارزیابی اسناد

از شیوه های اساسی و ممتاز مسعودی در کسب خبر و ثبت و ضبط آن، مشاهده عینی و حسی وقایع از طریق سفرهای علمی به مناطق مختلف است. وی در گزارشی که از پراکندگی دینی منطقه خزر و ترکیب اعتقادی مردم آمل (مرکز پادشاهی منطقه خزر) و زیست اجتماعی آنها دارد، می گوید:

در این شهر، مسلمانان، نصارا و یهود و جاهلیت در کنار هم و در زیر پادشاهی یک یهودی و با وزارت و فرماندهی نظامی مسلمین زندگی می کنند و هر کدام آداب و عقاید خویش را آزادانه برگزار می کنند.(13)

مسعودی در مسافرت های خود شهرها و ممالک زیادی را نظیر فارس، هند، سیلان، فلسطین، اردن، مصر، شرق آفریقا، مناطق خزر و چین درنوردیده است. او از این طریق، به معرفی احوال شعب، قبایل، اقوام، ملل، نحل و ادیان و شعائر آنها ـ مثل براهمه ـ پرداخته است. چنین کاری، برجستگی خاصی به مسعودی داده است، به طوری که تألیفات و معلومات او در آن زمان، در عالم اسلامی بی نظیر بود.(14)

او با دیدن مناظر و آثار تاریخی جوامع و ذکر آنها، نظیر دیدن اماکن قوم ثمود یا خبر قبر هارون برادر موسی در سینا، یا اخبار وی از بناهای عجیب مثل مناره بزرگ اسکندریه یا اهرام مصر، اهمیت ویژه ای به آثار و تألیفات خود داد.

او در سفرهای خود، ضمن مشاهده آثار و ابنیه و آشنایی با فرهنگ ها، آداب و رسوم و سیاست ها، به شناسایی کتب مورد نظر خود پرداخت. وی در سفری که در 302 ه ق. به شهر اصطخر داشت، به کتاب بسیار مهمی درباره تاریخ ایران و اوصاف سلاطین قدیمی آن دست یافت که مشتمل بر علوم ایرانیان و اخبار پادشاهان، ابنیه و سیاست آنان بوده است.(15)او در طبریه فلسطین به کتاب نادری دست یافت که به ستایش فضایل بنی امیه و ذکر اخبار آنها پرداخته بود.(16)

در عصر مسعودی، آثار زیادی در زمینه های دین، فلسفه و علوم ترجمه شده بود و مسعودی از آنها استفاده می کرد. وی از کتاب های شیعیان، معتزله، مرجئه و خوارج اطلاع کافی داشت. هر جا که احتمال می داد عالمی یا کتابی باشد، با سفر به آن محل، آنجا را شناسایی می کرد. او همچنین علمای مختلف را در رشته های گوناگون شناسایی کرده بود؛ اطلاع وی بر کتاب ها و نظریات شلمغانی، قدامة بن یزید نعماتی و بر ابن عبدک جرجانیدلیلی بر این ادعا است.

مسعودی بدون هیچ گونه تصعب دینی، با رعایت انصاف به شناسایی علما و ادیان دیگر برمی آمد. وی کتاب های مسیحیان و مذهب مارونی را شناسایی کرده بود(17) و از ادیان فارس، مخصوصاً مانویه، مزدکیه و زردشتی و کتاب های آنها آگاهی داشت.(18) مسعودی بر آن بود که دانش هر سرزمین را باید از اهل آن گرفت:

آن کس که به کاشانه خویش می چسبد و تنها به اخبار بسنده می کند، همچون کسی نیست که عمر خود را به پیمودن سرزمین ها صرف کرده و روزگار را در سفر گذرانده و هر نکته دقیقی را از معدنش بیرون کشیده و هر چیز پرارزشی را از نهان جایش به درآورده است.(19)

مسعودی علاقه زیادی داشت که ضمن شناسایی علمای مذهبی، با آنها درباره عقاید دینی شان به مناظره بپردازد. او با علمای صائبی مانند: مالک بن عقیون صابئی و علمای یهود مانند: ابوکثیر یحیی بن زکریا و ابوسعید بن یعقوب القیومی و علمای نصرانی مانند: ابوزکریا ذغا نصرانی دیدار و گفت وگو داشت.(20)

وی در سفر به بصره، با دانشمندان سرشناس و برجسته آنجا آشنا شد و نام برخی از آنها همچون ابومسلم ابراهیم بن عبدالله کشی یا کجی (متوفای 251 ه ق) که محدث معروف آنجا بود؛ یموت بن مزرع (متوفای 304 ه ق)، خواهرزاده جاحظ؛ ابوخلیفه فضل بن حباب و جمعی دیگر در تاریخ، علم انساب و علم فصاحت و بلاغت را ذکر می کند.(21) وی به محل اقامت فرقه های خرمیّه اصفهان، شیروان، همدان، آذربایجان، قم، کاشان، ری، خراسان می رود و گفت وگوهای فراوانی با صاحبان این فرقه ها انجام می دهد و گزارش هایی از آرا و عقاید آنها نقل می کند.(22)وی با دانشمندان بزرگ یهود و مترجمان تورات در شهرهای مختلف، مانند: ابوکثیر یحیی بن زکریا در اردن و فلسطین، ابویوسف معروف به ابن ابی الثناء (شاگرد ثابت قرّه در فلسفه و طبّ) یعقوب بن مردویه و یوسف بن قیوما و ابراهیم یهودی تستری دیدار و مناظره می کند.(23)

نتیجه جهانگردی مسعودی آن بود که اوّلاً: پا را از جهان اسلام فراتر گذاشت و در کشورهای غیر اسلامی با دقت و حوصله لازم به پژوهش پرداخت. چنانچه بروکلمان تصریح دارد، مسعودی در این جهت پیشگام و پیشرو بود. ثانیاً: اگر دیگران برای درک محضر دانشمندان و کسب علم و ادب سفر می کردند، مسعودی علاوه بر آن، به میان مردم رفت و به مشاهده و ثبت آداب و آثار برجای مانده از جوامع دینی و غیر دینی نشست و عقاید و اندیشه ها را به دقت گزارش کرد.

هادی حمود از قول جرجی زیدان می گوید:

مسعودی در این سفرها، حقایقی از تاریخ و جغرافیا جمع کرد که تا به حال کسی به آن سبقت نگرفته بود.(24)

او به معارفی بی نظیر و کمیاب از احوال امم و ملل و قبایل و جوامع دست یافت که تحصیل آنها بدون مسافرت حاصل نمی شد. مسعودی این گونه توانست مصدر معرفت تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و دینی گردد؛ به طوری که اگر او اقدام به انتقال این معارف نمی نمود، تمامی آنها در سینه ها می ماند و به آیندگان منتقل نمی شد.

مسعودی توجه وافری به شناسایی نقاط ضعف و قوت دولت ها، جوامع، ادیان و مذاهب دارد و عنایتی خاص به آثار تمدن های گوناگون، ملت ها، شاهان، خاندان ها و خلفا می کند. او حوادث را علاوه بر اینکه تک به تک نگریسته، با مقایسه آنها با هم، نقاط مشترک را شناسایی و برجسته کرده و به عنوان تجارب بشری به آیندگان منتقل کرده است؛ به همین جهت، تحقیقات و تألیفات او زمینه ساز تحقیقات اجتماعی، اقتصادی، دینی و فرهنگی می شود و آفاق جدیدی را پیش روی پژوهشگران باز می نماید.(25) پژوهشگران، وی را به عنوان کارشناسی ماهر در تاریخ و حوادث تاریخی، مردم شناس غرب آسیا و شمال آفریقا و شرق اروپا و جغرافی دان آگاه می نگرند.

مشاهدات تاریخی و سفرهای علمی مسعودی به درجه ای از اعتماد علمی و مرجعیت تاریخی رسید که توانست آرای جاحظ را درباره جغرافیای سرزمین ها و عجایب حیوانات ابطال کند و از جاحظ انتقاد می کند که چگونه بدون مشاهده و معاینه، صرفا به نقل راوی اکتفا کرده است.(26)

مسعودی در نقل حوادث سیاسی و اجتماعی دولت ها و پادشاهان و روابط سیاسی و وضعیت کارکردی آنها، نه با بیان صرف حادثه از فردی یا دولتی، بلکه با توجه به نوع عملکرد و کارکرد آنها و تأثیر و تأثراتی که سیاست های آنها داشته و به عنوان کسی که عملکرد دولت های پادشاهان مختلف را مطالعه کرده و مورد قضاوت قرار داده است، به تحلیل عقلی و تجربی حوادث پرداخته و با تبیین کلی شرایط حاکم بر تحولات سیاسی ـ اجتماعی، آنها را ارزیابی کرده و به عنوان تجربه های نیک و بد و زشت و زیبا به آیندگان منتقل نموده است. او از پادشاهی توتال (از پادشاهان چین قدیم) در اجرای سیاست عادلانه و نقش عدالت در بقای حکومتش تمجید می کند و حکومت وی را در رواج رسوم پسندیده، می ستاید(27) و با چنین نگرش تحلیل گرانه ای می گوید:

شاهانی که پس از این پادشاه (توتال) آمدند، همچنان امورشان انتظام و وضعشان استقرار داشت. آبادی و عدالت رواج بود و ستم در دیارشان نبود.(28)

چنین نگرشی به تاریخ موجب می شود که مسعودی بیشترین توجه را به دخالت تجارب سیاسی ـ اجتماعی ملت ها، جوامع و اقوام در شناخت تاریخ آنها بدهد و همان گونه که خواجه نصیرالدین طوسی، نقل تاریخ گذشتگان و استشهاد آوردن از زندگی آنان و فراز و نشیب، شکست و پیروزی و سرگذشت دولت ها و تمدن ها را طریق معرفت می داند،(29)مسعودی نیز با منبع قراردادن تجربه زندگی جوامع و ملل و عملکرد دولت ها، آن را منبع اصلی معارف تاریخی خود قرار می دهد. او با این دید به تاریخ می نگرد که تاریخ، منبع کسب تجارب از حوادث و وقایع پیشینیان و افزایش دهنده توان تحلیل پدیده های سیاسی ـ اجتماعی است.

روش مسعودی در مطالعات تاریخی، روش تجربی ـ تفهمی بود که بر مشاهدات عینی و مطالعات تجربی مبتنی است؛ بدان معنا که در مفهوم هر حادثه و چرایی آن یا در ساختار هر باوری، باید آن را با معیارهای عینی، علمی و تجربی، ارزیابی نمود.

مسعودی در بحث مردم شناسی، به نقد مفهوم «عنقا» می پردازد و آن را به شیوه ای تجربی، در جوامع مختلف بازیابی می کند. وی در شناخت ویژگی یک جامعه و توصیف آن، ضمن حفظ اصل هم سنجی در مطالعه باورهای فرهنگی درباره رابطه قیافه و خلق و خوی شخصیتی، پس از توصیف تک انگارانه، به سوی شکل دهی یک نظریه مردم شناختی می رود.(30) او در مورد قیافه شناسی و تفأل گوید:

این مسائل، خاص عرب هاست و غالب آن در اقوام دیگر نیست؛ البته کاهنی در اقوام دیگر بوده است، اما قیافه و زجر و تفأل و تطیّر که در غالب امور رایج است، در غیر عرب نیست و در همه عرب نیز متداول نیست، بلکه خاص مردم هوشیار و مجرب و دقیق است.(31)

مسعودی در نقادی و ارزیابی، از روش هم سنجی داده ها و اخبار گذشتگان یا مردم جوامع تحت مطالعه خود و مشاهده با دیگر جوامع و هم سنجی اخبار و داده های یک متن با متن دیگر می پردازد:

مردم سلف و خلف در تاریخ و حوادث کتاب ها آورده اند که بعضی به صواب و بعضی دیگر به خطا رفته اند و هر یک به قدر توان خویش کوششی کرده و گوهر نهان هوش وانموده اند.(32)

مسعودی در کنار روش هم سنجی، به روش تفهم گرایانه نیز اعتقاد دارد؛ به طوری که در مطالعات موردی یا میدانی خود معتقد است، فقط دسته خاصی از مردم می توانند به برخی داده ها برسند.(33)

مسعودی، تاریخ را شرح ظاهر حوادث پراکنده نمی داند؛ بلکه همتش بر آن بود که ورای پراکندگی ها و تشتت حوادث در قلمرو تاریخ و جریان ها، امور حادث و ممکن را از آنچه ضروری و پایدار است، تمییز دهد و با اعراض از تقلید شیوه تاریخ نویسی پیش از خود، راهی نو را در برابر تاریخ نویسی دوره اسلامی هموار نماید.

معیار دیگر مسعودی در ارزیابی صحت اخبار، آن است که اخبار منقول را با مشاهده موضوع آنها مقایسه نماید:

متقدمان و متاخران درباره شمار دریاها و مساحت و طول و عرض و پیوستگی و ناپیوستگی و جزر و مد و دیگر اوصاف آن اختلاف کرده اند و ما آنچه را در این باره گفته اند و درست تر و معروف تر است، بیان می کنیم که مدتی از روزگار را بدین پرداخته وقت خود را به مشاهده و کسب خبر درباره آن صرف کرده ایم و از چیزها که شاید دیگران از دانستن آن محروم مانده اند، مطلع شده ایم.(34)

وی اولین مورخی است که در ارزیابی اخبار و ثبت و ضبط حوادث، نظر و توجه اساسی به صحت و سقم آنها دارد و آنها را به محک تجربه و مشاهده می گذارد؛ تا آنها را ارزیابی علمی نماید و چنانچه خلاف شواهد عینی درآید، آنها را ذکر نمی کند. او درباره «نسناس» (انسان نمای موجود قبل از انسان فعلی) آورده است:

و من مردم شهر حضرت موت و مردم ساحل آنجا را که شهر احساسات و برکناره ریگستان احقاف است و دیگر نواحی پیوسته به اراضی یمن و هم دیار عمان و ولایت مهره را بدیدم که اخبار نسنانس را جالب و شگفت انگیز تلقی می کردند و پنداشتند که در نواحی دور جهان است؛ چنان که مردم ولایت های دور نیز شنیده اند که نسناس آنجاست و این معلوم می دارد که اصلاً در جهان نیست، بلکه نتیجه هوس عوام الناس است.(35)

او در ارزیابی موضوعات، اخباری را که وجود آنها امکان عقلی و فلسفی دارد، محک عقلی قرار نمی دهد؛ بلکه محک آن را وجود اخبار متواتر و مشاهده عینی و تجربه و تعدد اخبار قابل استناد قرار می دهد و راجع به وجود نسناس نیز این چنین قضاوت می نماید. در طبقه بندی اخبار، از جمله اخباری که نزد وی صدق آنها معلوم است، اخباری است که وجودشان ضروری شناخته می شود؛ مثلاً قابل مشاهده با حواس باشد یا از منابع مؤثق به تواتر نقل شده باشد.(36)

مسعودی معیار نقد اخبار مربوط به اعتقادات را عدم مخالفت با قرآن کریم می داند و به همین جهت، از روایات تورات و انجیل، خصوصاً در تاریخ انبیاء، استفاده می کند؛ اما آنچه را که صریحاً بر خلاف قرآن و روایات اسلامی است، تصحیح می کند.(37)او در بحث حدوث و قدم عالم، از ذکر معتقدین به قدم عالم خودداری می کند و نظر اهل شرع را درباره حدوث عالم نقل می نماید.

معیار عرضه اخبار غیر شرعی به عقل

معیار دیگر مسعودی برای ارزیابی اخبار و سنجش صحت آنها، عرضه معلومات و اخبار غیرشرعی به عقل است. آن دسته از اخبار که در زمینه امور غیر شرعی اند و نزد عقل از نظر صحت، قطعی اند، در صورت تضاد و تعارض میان این دو گروه اخبار معقول و منقول ـ چه از طریق سنت رسیده باشند و چه از طریق غیر سنت ـ در معرض تفسیر قرار می گیرند؛ به شرط آن که تفسیر بردار باشند و الاّ رد می شوند.(38)مسعودی آن دسته از اخبار را که در تعارض با عقل قرار نمی گیرند، به سه دسته تقسیم می نماید:

1. اخبار ممکن (جایز): اخباری که نقل آنها به حد استفاضه و تواتر نرسیده و بر نفی آنها دلیلی نباشد. چنین اخباری از نظر مسعودی، جواز نقل دارند. هدف مسعودی از جواز نقل چنین اخباری آن است که خواننده را نیز بر ارزیابی مطالب آن بکشاند. او وقتی از باورهای عرب سخن می گوید و عقاید آنها را درباره غول ذکر می کند، بلافاصله می گوید:

آنچه گفتیم در این شهرها مشهور است؛ شاید این گفته ها برخاسته از نوعی تصورات فاسد و خاطره های پست یا آفات دیگر باشد که گاه بر انسان و حیوان غالب می شود.(39)

وی وقتی از سرزمین قوم ثمود دیدار می کند، با استناد به اندازه خانه ها و درها، یادآور می شود که آنچه درباره جثه بزرگ این قوم گفته شده، افسانه ای بیش نیست.(40)مسعودی آنگاه که درباره وجود، کیفیت، جثه و قیافه اژدها اقوالی را نقل می کند، می گوید:

خدا حقیقت آنچه را گفتیم بهتر داند، ولی غالب نفوس، اخبار مربوط به این موضوع را انکار می کنند و اکثر عقول آن را نمی پذیرند.(41)

او با اشاره به اقوالی که از وجود «نسناس» آمده، طرح بحث وجود آن را ناشی از توجه عوام الناس دانسته است. مسعودی با تأملات خود، خواننده را به ارزیابی می کشاند و او را در حال و هوای افکار عمومی آن زمان می برد و با ارزیابی خود از اسناد معتبر و قراین و مشاهدات، از بدفهمی و گمراهی بازمی دارد.

2. خبری که ممتنع و محال است. مسعودی نقل چنین اخباری را جایز نمی داند.

3. اخباری که صدق آنها ضروری و اجتناب ناپذیر است و لازم است که مورد قبول واقع شوند.(42)از نگاه برخی، این اخبار عبارتند از:

خبری که وجودش ضروری شناخته می شود؛ نظیر اطلاعات از اولیات، مشاهدات حسی، متواترات، مجربات و برهانیات؛ اخبار رسیده از خداوند نظیر قرآن کریم، اخبار پیامبران که با دلیل معجزه تأیید و تصدیق شده اند، خبر کامل امت مسلمان که توافق همگان دلیل قطعی آن است، وجدانیات، خبر معطوف به قراین و اماراتی که پذیرش خبر را ضروری می کند و خبر مؤثّق.(43)

مسعودی از میان اخباری که صدقشان لازم است، اخبار متواتر و اخباری را که پذیرش قطعی دارند، بیشتر مورد ملاحظه قرار می دهد. اینکه مسعودی برای ارزیابی صحت اخبار و حوادث، در کنار معیارهای مشاهده و تجربه، نظر و تجزیه و تحلیل عقلی را طرح می کند، بدان جهت است که وی در عصر خود دارای گرایش فلسفی و کلامی بوده و آثاری نیز در این زمینه ها تألیف نموده است. علاوه بر آن، افرادی مانند مسعودی، مسکویه، ابن اثیر و بیرونی، مستقیماً تاریخ را متأثر از فلسفه، کلام و منطق می دانستند.(44)

هدف آنان این بود که متن و محتوای حوادث تاریخی و تحلیل درستی و نادرستی وقایع تاریخی را معقول گردانند، به همین سبب، مسعودی از نقل صرف حوادث می گذرد و به فهم چگونگی انقراض دولت ها، تمدن ها، جوامع و ملل و نحل و شناسایی عوامل صعود و سقوط آنها می پردازد. او با این شیوه، فیلسوفانه به تحلیل و ریشه یابی حوادث تاریخی می نشیند.

از ویژگی های محتوایی تاریخ نگاری مسعودی، متقن بودن مباحث وی به سبب استفاده از روش علمی و تجربی در ارزیابی اخبار و دقت و حساسیت بر موضوعات، حوادث و وقایع است. وی چنانچه در آغاز مروج الذهب اشاره می کند، خود را در نقل اخبار، روایات، عقاید و آراء، در جوّ متلاطم فکری و کلامی قرن چهارم هجری، ملزم به رعایت انصاف و بی طرفی می داند. او در مواردی که علم کافی به وجود حادثه یا خبری نیافته، نظر قطعی نمی دهد. مسعودی با این رویکرد درباره شخصیت برهمن با طرح اختلاف و پنداشت مردمان آن دوران که بعضی گمان می کردند وی آدم(ع) است و برخی بر آن بودند که وی پادشاه است، باور اخیر را مشهورتر می داند، اما در عین حال نظر قطعی بر درستی هیچ یک نمی دهد.

ویژگی دیگر مسعودی، برخورداری وی از یک نگاه جامع به مطالب است. او توانست علومی را که نقش به سزایی در درک و فهم و تبیین حوادث تاریخی دارند، در تاریخ نگری و تاریخ نگاری خود وارد کند. در این زمینه، می توان در میان مورخان متقدم، یعقوبی را و میان مورخان متاخر، ابن خلدون را در بعضی ابعاد با وی مقایسه نمود. دیگر ویژگی مسعودی، وارد کردن عنصر استدلال عقلی بر قلمرو مباحث تاریخی برای تجزیه و تحلیل دقیق و صحیح حوادث تاریخی است.

تعدد و تنوع منابع تاریخ نگاری از ویژگی های مهم مسعودی است که شامل اسناد، منابع مکتوب و مشاهدات شخصی از آثار و ابنیه و اماکن سرزمین های مختلف عالم و روایات شفاهی و مباحثات و مناظرات وی با صاحب نظران نقاط مختلف است. این ویژگی ها، او را صاحب مکتبی خاص در تاریخ نگاری نمود. او روح تحقیق را به حد کمال رساند و توانست آفرینش، پردازش و ویرایش خاصی از حوادث تاریخی داشته باشد. وی به موضوعات تاریخ ساز و اساسی در زندگی جوامع مختلف، توجه ویژه ای داشت.

2. روش تدوین مسعودی

وی در تدوین اطلاعات علمی ـ تاریخی خود، چهار روش را هم زمان اتخاذ می نماید:

الف) تدوین موضوعی

ب) تاریخ سال به سال (حوالی)

ج) چکیده سازی

د) تعیین دقیق تاریخ

در روش موضوعی، بر حسب موضوعات، حوادث و شخصیت های محوری و تاریخ ساز مانند: پیامبران، امامان، خلفا، پادشاهان، اقوام، ملل و نحل، دولت ها، امراء و فرماندهان و صاحبان قدرت، حوادث تاریخی ثبت و ضبط می شوند. در توجه به هر یک از این موضوعات، بحث هایی به تناسب نوع موضوع، حادثه و شخصیت تاریخی برای مورخ مطرح می شوند؛ نظیر اینکه نسب پیامبران چیست؛ شرح حال آنان چیست؛ چه حوادثی بر آنان رخ داده است؛ دوستان و دشمنان آنان چه دسته و طبقاتی بودند و آنان چه تأثیراتی بر محیط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی گذاشته اند.

بر این اساس، مسعودی کتاب های «مروج الذهب» و «التنبیه و الاشراف» را در ابواب مختلف تاریخ چین، سریانیان، بابلیان، روم، ملوک مصر، ملوک شام، یمن، پادشاهان ایران قدیم و ... نیز تاریخ دوره اسلامی در زمینه های پیامبر اسلام(ص)، قبایل منطقه شبه جزیره عربستان به ویژه هاشمیان و امویان، آداب و رسوم مردم این منطقه، اوضاع سیاسی و اجتماعی، اوضاع طبیعی و جغرافیایی ممالک اسلامی و خلفا و پادشاهان این مناطق تدوین کرد.

مسعودی در این روش، از مورخان پیش از خود همچون یعقوبی و طبری متأثر است. او از آغاز آفرینش و تاریخ انبیا شروع می کند و به سرزمین های چین، ترک، روم، سریانی، مصر، سیاهان، یونانیان و اقوام عاد و ثمود و دوره اسلامی می رسد. روز نتال نسبت به کیفیت طرح موضوعاتی که مسعودی از انبیای الهی بیان می دارد، می گوید:

مسعودی در اصل به روش توراتی و اهل کتاب در تدوین، مشی نموده است و فقط گاهی برای رعایت دیدگاه های دین اسلام، تعدیلاتی در آن اعمال نموده است.(45)

روش تاریخ نگاری سال به سال (حوالی) بر حسب زمان پیدایش و رخداد حوادث است. این روش گسستی را میان حوادث ممتد و دنباله دار که عملاً در طی چندین سال اتفاق افتاده است، ایجاد می کند. ابتکار مسعودی آن است که تلفیق و ترکیبی میان روش موضوعی و حوالی ایجاد کرده، از محاسن آنها استفاده می نماید و از معایب آنها دوری می گزیند. او با اصل قرار دادن روش موضوعی و چارچوب آن، توالی حوادث را از نظر زمانی مراعات نموده است. مسعودی در اخباری که از انبیای الهی ذکر می کند، بر حسب تقدم بعثت آنان، از نحوه خلقت حضرت آدم (ع) تا پیامبر خاتم (ص) و از زندگی و نحوه تبلیغ آنان و دوستان و دشمنان آنها، سخن به میان می آورد. زمانی که از پادشاهان ایرانی یا چینی سخن می گوید، اخبار را از نخستین پادشاه هر سلسله آغاز می کند و تا آخرین پادشاه ادامه می دهد.

شیوه دیگر مرسوم در تاریخ نگاری اسلامی، شیوه سال شماری بود. در این شیوه، حوادث بر حسب سنوات (سالنامه ای) تنظیم می شد. شیوه دیگر، شیوه دودمانی بود. در این شیوه، مورخ به ذکر تاریخ ظهور و فعالیت های سیاسی اجتماعی و نظامی سلسله یا فرمانروایی خاص می پرداخت. شیوه دیگر، بر حسب ذکر طبقات مختلف مانند طبقات الفقهاء، طبقات المحدثین، طبقات النحاة بود. مکتوبات این دسته از مورخان از مهم ترین منابع تاریخ نگاران برای بررسی تاریخ سیاسی اجتماعی و فرهنگی به شمار می رفت.

شیوه دیگر، شیوه فرهنگ نامه ای بود. در این شیوه، شرح حال رجال و بزرگان سیاسی، بر حسب معجم ذکر می شد.

شیوه دیگر، شیوه تبار شناختی بود. این شیوه به پیروی از سنت عصر جاهلی، برای نسبت شناسی ـ که اهمیت خاصی داشت ـ باقی ماند.(46)

شیوه تدوین اطلاعات تاریخی عرب قبل از اسلام، بر اساس روایات شفاهی بود. این شیوه تا قرن اول هجری قمری ادامه یافت و افرادی مانند وهب بن منیه و عبید بن شریه در نقل مباحث تاریخ اسلام از این روش پیروی می کردند و در ادامه، مورخانی مانند: محمد بن اسحاق، ابن هشام، طبرسی به روایات شفاهی اعتماد داشتند. منبع بسیاری از اخبار و روایات تاریخ اسلام، اخبار وهب بن منیه و عبید بن شریه بود.(47)از برجسته ترین آثار نسب شناسی، انساب الاشراف بلاذری است. شیوه تدوین مسعودی در ترکیب موضوعات و حوادث، ابتکار دیگری از او در تاریخ نگاری بود.

شیوه دیگر تدوین مسعودی، چکیده سازی است. مسعودی در هر بحث و موضوعی از موضوعات اصلی که وارد می شود، به طور خلاصه و فهرست وار، چکیده ای از مباحث مبسوط را ذکر می کند. او زمانی که به ذکر تاریخ جهان باستان و پیامبر اسلام (ص) می رسد، چکیده ای از آن را در پایان می آورد و در ضمن آن به کیفیت آغاز آفرینش و نظرات خود درباره هیئت و طبیعت اشاره می کند و آراء و اقوال ملت های مختلف، مانند هندوها، یهود، نصارا، صابئیان، مجوس، یونانیان و مسلمانان، را ذکر می کند.

مسعودی در تعیین زمان حادثه، از دو شیوه: نقلی (تاریخی) و تجربی (فلکی ـ زیجی) استفاده می کند. او برای تعیین دقیق روز و ماه وقوع حوادث، روش زیجی را ترجیح می دهد؛ زیرا به نظر او: آنان قادر به تجدید زمانی دقیق اوقات هستند.(48)

3. روش نگارش مسعودی

اسلوب نگارش مسعودی از ویژگی های ذیل برخوردار است:

1. روشن و واضح نویسی؛ 2. مختصر نویسی؛(49)3. ساده نویسی؛ 4. پرهیز از تکلف؛ 5. حسن تنظیم و ارائه.

آنچه موجب شد که نگارش تألیفات مسعودی از ویژگی های فوق برخوردار شود، از آنجاست که به اعتقاد او، سخن پیامبر اسلام (ص) کوتاه و آکنده از اعجاز بود و به سبب وسعت معنا و قلت الفاظ، به صورت ضرب المثل رایج گردیده و در نهایت فصاحت و بلاغت بوده است؛ لذا مسعودی بابی جداگانه در نقل حکمت و کلمات قصار پیامبر دارد.(50)او درباره صعصعة بن صوحان ـ از یاران خاص علی (ع) ـ می گوید:

زندگی او دارای اخبار نیکویی است و او سخنانی دارد در غایت بلاغت و فصاحت؛ دارای معانی روشن و در عین ایجاز و اختصار.(51)

وی درباره قدامة بن جعفر ـ از ادیبان قرن چهارم هجری ـ می گوید:

او دارای حسن تألیف بود. با الفاظ کوتاه معانی را می رسانید و کتاب های او با نام های زهرالربیع در تاریخ و اخبار و کتاب الخراج گواه این حقیقت است.(52)

توجه مسعودی به چنین شیوه نگارشی، باعث می شود جاحظ را به سبب ساده گویی و کاربرد الفاظ کوتاه و معانی بلند و براهین روشن بستاید. درباره جاحظ می گوید:

کتاب های او در نهایت کمال است، البته آن جای که دچار ناصبی گری و ردّ حقی نشده باشد.(53)

یکی از کاستی های تألیفات تاریخ نگاران و مؤلفان دوران مسعودی در رشته های مختلف، ساده نویسی الفاظ ـ به جای پیچیدگی در الفاظ ـ و تکلف در معانی بود؛(54) اما مسعودی در این زمینه نیز هنرنمایی کرد و بر خلاف آنان، عباراتش دارای بیانی روشن و عدم پیچیدگی و مبهم نویسی و عدم انتخاب الفاظ دشوار و غریب ـ مگر با توضیح آنها ـ است.

1. مدرس و پژوهشگر تاریخ اسلام در حوزه علمیه قم

2. عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1345، ج 1، ص 13.

3ـ شارل شاماران، روش های پژوهش در تاریخ، ترجمه ابوالقاسم بیگناه و...، آستان قدس رضوی، 1375.

4ـ رنان، 1. کالین، تاریخ علم کمبریج، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، تهران، 1366، ص 321.

5ـ شکوری، ابوالفضل، درآمدی بر تاریخ نگری و تاریخ نگاری مسلمانان، بوستان کتاب، 1380، ص 43.

6ـ مروج الذهب، ج 1، ص 4 ـ 5.

7ـ مروج الذهب ـ ج 1 ـ پیشین ص 6.

8. همان، ص 2.

9ـ زنان، 1. کالین، تاریخ علم، کمبریج، ص 321.

10ـ مروج الذهب، ج 1، ص 2.

11ـ زکایی، پرویز، ابوریحان بیرونی، طرح نو، 1375، ص 54.

12ـ همان، ص 7.

13ـ آیینه پژوهش، شماره 40، ص 5.

14ـ محمود، هادی حسین، منهج المسعودی فی بحث العقاید والفرق الدینیه، ص 31.

15ـ مسعودی، ابوالحسن، التنبیه و الاشراف، ص 99.

16ـ همان، ص 336.

17ـ همان، ص 140.

18ـ مروج الذهب، ج 1، ص 252، 253 و 275.

19ـ همان، ص 12.

20ـ ابوالحسن مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص 105.

21ـ مروج الذهب، ج 3 ـ ص 304 و 276 و التنبیه و الاشراف، ص 254.

22ـ التنبیه و الاشراف، ص 237.

23ـ همان، ص 105 ـ 106.

24ـ منهج مسعودی فی بحث العقاید و الفرق الدینیه، ص 20.

25ـ آیینه وند، صادق، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377، ص 141 ـ 142.

26ـ مروج الذهب، ج 1، ص 94.

27ـ همان ـ ص 132.

28ـ همان، ص 133.

29ـ یوسفی راد، مرتضی، اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی، قم، بوستان کتاب، 138، ص 62.

30ـ تنهایی، ابوالحسن، جامعه شناسی نظری اسلام ـ ص 389.

31ـ مروج الذهب، ج 1، ص 519.

32ـ همان، ص 4.

33ـ همان، ص 3.

34ـ التنبیه و الاشراف، ص 50.

35ـ مروج الذهب، ج 1 ـ ص 575.

36ـ تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ص 28 ـ 31.

37ـ سبحانی، محمد تقی، مقاله جایگاه مسعودی در تاریخ عقاید و ادیان، مجله آیینه پژوهش، سال هفتم، شماره 4، مهر 1375، ص 8 و مروج الذهب، ج 1، ص 24 ـ 25 و 68.

38ـ تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ص 43.

39ـ مروج الذهب، ج 1 ـ ص 512.

40ـ همان، ص 404.

41ـ همان، ص 121.

42ـ همان، ص 575.

43ـ تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ص 31.

44ـ نفیسی، محمود، سیری در اندیشه های اجتماعی مسلمین، انتشارات امیری، 1368، ص 104.

45ـ روز نتال اروین، علم التاریخ عند المسلمین، ص 126.

46ـ سجادی، صادق، تاریخ نگاری در اسلام، ص 71 ـ 75.

47ـ مقاله ویژگیها و روش تاریخ نگاری مسعودی، ص 22.

48ـ مروج الذهب، ج 2 ـ ص 280.

49ـ به اعتبار اینکه منابع و مآخذ تاریخی در تاریخ و آثار قبلی معلوم اند و نیاز به ذکر آنها نیست؛ بر خلاف شیوه نگارش زنجیره سندها.

50ـ مروج ج 3 ـ ص 32 ـ 38 (مروج الذهب چاپ بیروت ـ دار الاندس)

51ـ همان، ص 235.

52ـ همان ـ ج 1 ـ ص 16 و ص 175 ـ ج 5 ـ ص 194.

53ـ همان، ج 5، ص 104 ـ 105.

54ـ درآمدی بر تاریخ نگری و تاریخ نگاری، ابوالفضل شکوری ـ ص 78.